

## از تجربه به خوانندگان



حسین ماسمل

## سنگ بزرگ علامت زدن است! اگر...

خودتان را برای لحظه‌ای جای کسانی بگذارید که مسئولیت سرویسی را بر عهده دارند که موضوع کارش «زندگی» است. نخستین سوآلی که به ذهنتان می‌رسد این گزاره پرسشی است: «وقتی از زندگی سخن می‌گوییم، دقیقاً از چه چیزی صحبت می‌کنیم؟» و بلافاصله از خود می‌پرسیم: «اصلاً چیست که نتوان در این مفهوم ولنگ و بی‌انتهای کار کرد؟» مگر کل ژورنالیسم در این عالم از سرتاپا، از روزنامه‌ها و نشریات و کانال‌های رادیویی و تلویزیونی و سایت‌های اینترنتی خبری و غیر خبری و حتی گروه‌های مجازی و... موضوع کارشان چیزی جز زندگی است؟ وقتی حوزه کار چنین وسیع باشد، نه تنها کار آسان‌تر نمی‌شود بلکه به مراتب سخت‌تر می‌شود. مگر موضوع کاری جز زندگی هم داریم؟ پس صفحه‌ای با عنوان موسع «زندگی» که هر چه فکرش را بکنیم و نکنیم، در آن جای می‌گیرد، روی چه موضوعاتی باید انگشت بگذارد که هم حرف حساب باشد و هم هویتی قائم به ذات و شخصیتی مستقل داشته باشد؟ چگونه و از چه منظری باید به آدم‌ها، رویدادها و مسائل نظر کرد و به آنها نزدیک شد که تحت‌الید و مسمای اسمی باشد که بر تارک این صفحه نشسته است؟ از همه این‌ها گذشته، خوانندگان پیگیر روزنامه ایران خوب می‌دانند که صفحه زندگی چند صفحه گزارش محجور در کنار خود دارد که همگی در به در به دنبال صید و انعکاس سوزهای جذاب پیرامونی درباره آدم‌ها و رخدادها و فراز و نشیب زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی اند. در این میان شخصیت یک صفحه با چه مؤلفه‌هایی باید تعریف و تثبیت شود؟ با این دغدغه بود که در وهله اول، بنا را بر این گذاشتیم که عموماً صفحه زندگی را نه با محوریت رویدادها که با محوریت آدم‌ها ببینیم. با این بُن مایه، با خبرنگاران گروه زندگی- به اصطلاح- به یک مانیفست رسیدیم. بر این اساس، قرار شد در این صفحه عمدتاً به سراغ سه طیف آدم برویم:

**نخست:** آدم‌هایی که به مفهوم دیگرگونه و متفاوتی از زندگی دست یافته‌اند؛ آدم‌هایی که با بصیرت و شهامتی مثال زدنی، به دل مواج زندگی می‌زنند و به جنگ با ناملایمات زندگی می‌روند. این‌ها قهرمان‌های صفحه زندگی هستند. آدم‌هایی که به تعریف تازه‌ای از زندگی دست پیدا می‌کنند و تحسین هر انسانی- و به تبع آن هر خواننده‌ای- را برمی‌انگیزند.

**گروه دوم:** آدم‌هایی که به هزار و یک دلیل- ناخواسته سنگ زیرین آسیاب هستند و با وجود تلاشی که داشته‌اند از پس زور پر زور زندگی برنیامده و کم آورده‌اند! هر چند در چنین شرایطی عزت نفس خود را حفظ می‌کنند. انعکاس زندگی این آدم‌ها و دردهایشان یادمان- و یاد خوانندگان ما- می‌آورد که این آدم‌ها همین جاد کنار ما در همین سرزمین زندگی می‌کنند.

**گروه سوم:** آدم‌هایی که وجود و حضور و نحوه زندگی‌شان به گونه‌ای است که زندگی را برای دیگر انسان‌ها تحمل پذیرتر و بار زندگی را برای دیگران سبک‌تر و فضای زندگی را انسانی‌تر می‌کنند. این آدم‌ها می‌توانند آدم حقیقی باشند یا در قالب تشکل‌ها و نهادهای غیردولتی یا «NGO»‌ها تعریف شوند. آدم‌هایی که باید آنها را شناخت و قدرشان را دانست و قدرشان گذاشت.

این سه، و یکره عمده ما در تهیه و تولید گزارش‌ها و مطالب صفحه زندگی (صفحه ۱۴) روزنامه ایران است. طبعاً با حمایت خوانندگان ایران است که این صفحه می‌تواند بسیار پربارتر از آنچه هم اینک منتشر می‌شود، انتشار یابد. چنین مهمی بی‌شک تحقق خواهد یافت چنان که خوانندگان ما دست یاری را که به سویشان دراز کرده‌ایم بگیرند و سوزهای که فکر می‌کنند ظرفیت طرح در این صفحه را دارند، به ما معرفی کنند. باقی، بی‌شک، بقی خوانندگان است و بس.

## خوانندگان و شهرنشینی



## بسماند کیلویی چند؟!

**آقای حسینیان** در تماس با روابط عمومی روزنامه گفته: در بلوار بزرگ‌مهر اسفهان و در نزدیکی بیمارستان صدوقی به دلیل پارک دوبل خودروها ترافیک سنگینی ایجاد می‌شود و تردد بسختی صورت می‌گیرد. از مسئولان راهنمایی و رانندگی درخواست می‌کنیم به این موضوع رسیدگی کنند.

**آقای شیخ الاسلامی** در تماس با ما گفته است: پارکی در تهران، شریعتی خیابان زیبا وجود دارد به نام پارک نصر که هر روز در این پارک افرادی مواد مخدر خرید و فروش می‌کنند و چندین بار هم اطلاع دادیم و پلیس آنها را جمع‌آوری کرده است اما فردای آن روز دوباره این کار ادامه پیدا می‌کند. ظاهراً پلیس اینها را به دادسرا معرفی نمی‌کند چون بالاخره حمل و فروش مواد مخدر جرم است و مجازات دارد در صورتیکه فردای روز دوشنبه یک مجدد اقدام به فروش مواد مخدر می‌کنند.

**آقای رضا احمدی:** در تهران، خیابان جمهوری روبه‌روی سینما حافظ، پارکینگ جمهوری وجود دارد که ظاهراً نخستین پارکینگ تهران بوده است که شخصی به همراه پسران خود تغییر کاربری این پارکینگ را از شهرداری منطقه ۱۲ دریافت کرده و در حال ساخت پاساژ و مغازه است در صورتی که شهرداری تأکید بر احیای پارکینگ دارد چطور به ایشان مجوز تغییر وضعیت داده است. این منطقه شدیداً به پارکینگ نیاز دارد و این تغییر کاربری موجب افزایش بار ترافیکی خواهد شد.

**آقای امیر محبی گفته:** ساکن فاز ۳ شهر جدید اندیشه هستم. شهرداری امسال مبلغ ۱۳۰ تومان به نام بسماند از ما طلب کرده است. آیا واقعاً این مبلغ فرساست؟

## نامه خوانندگان

## بیمه تکمیلی معلمان کارایی ندارد

**خواننده نام محفوظ این نامه را برای صفحه خوانندگان فرستاده است:**

**باسلام و احترام**

تقریباً دو سالی می‌شود فرهنگیان عزیز و بویژه شاغلان با بیمه آتیه سازان حافظ قرارداد بیمه‌ای دارند. این بیمه که در کارایی و انجام تعهداتش بسیار ضعیف است طی این دو سال چندین تخلف آشکار را مرتکب شده است. هر چند مسئولان محترم آموزش و پرورش به تعریف و تمجید از این بیمه در رسانه‌ها مشغولند اما معلمان محترم به خلاف این امروا قف هستند و سریعاً در رد این اخبار به رسانه‌ها پاسخ می‌دهند. یکی از تخلفات آشکار این بیمه در دومین سال پیایی، پرداخت نکردن هزینه‌های درمانی اعم از ویزیت و نظایر آن است. بر اساس تعرفه نظام پزشکی و مصوب یعنی آنچه که در قرارداد فی مابین بیمه آتیه‌با آموزش و پرورش آمده است، در سال گذشته برای پزشک فوق تخصص مبلغ ۲۰۰ هزار تومان به بیمار عودت داده می‌شد اما هم‌اکنون کم‌تر از این مبلغ و همین طور در مورد پزشک متخصص و موارد دیگر، سه‌ساله دیگر اینکه چرا با وجود اینکه دو ماه به پایان قرارداد این بیمه باقی مانده، بیمه و آموزش و پرورش قرارداد بیمه‌ای را با پزشکان و آزمایشگاه و مراکز خدمات درمانی حذف کرده است؟ بیمه تکمیلی معلمان باید مثل بیمه تکمیلی استادان دانشگاه، بانک‌ها و جانیان از عزیز معتبر و قابل پذیرش در بیمارستان‌های معتبر باشد نه فقط در مانگاه‌های خیریه و بیمارستان‌های بدون تخت و تجهیزات.

## ■ احسان محمدی- ایمیل: دوران

دانشجویی وقتی اتوبوس جلوی رستوران‌های بی راهی توقف می‌کرد استراحت می‌داد و داد می‌زد: «شام، نماز، دستشویی! بیست دقیقه توقف داریم». ما مسافران پیاده می‌شدیم. آن روزها یکی از آگهی‌های روزنامه این بود: مرغ پنچر خریداریم، تا مدت‌ها فکر می‌کردم چطور مرغ پنچر می‌شود و اصلاً مرغ پنچر به چه دردی می‌خورد؟ تا اینکه کسی برایم گفت که به مرغ‌های مرده مرغ‌داری‌ها می‌کن پنچر. می‌فروشن به رستوران‌های بین راهی، تبدیل میشه به زرشک پلو و اکبر جوجه!- گناهش به گردن راولی- من مشکلی نداشتم، چون پولم نمی‌رسید و ساقه‌های و جای می‌خوردم! یک عکس چند روزی است که در فضای مجازی منتشر شده. انبوه مرغ‌های پرکنده در مجاورت مبال! قبل از این هم بقیای سگ و لاغ و اسب در رستوران‌ها کشف شده بود که محصول بی‌چردانی محض بعضی از رستوران دارهاست و

حواس پرتی مسئولان زحمتکشی که شبانه روزی در حال «رسیدگی» هستند. مسئولان نظارت به جای تشکیل کمیته حقیقت یاب و داد و هوار که این عکس‌ها کار استکیار جهانی به سرکردگی فلانی است، نظارتش را بر آشغال‌هایی که به خورد ما می‌دهند بیشتر کند. همین! ■ **احمد فخرایی- ۰۸۳...۰۹۱۳:** من خودم رستوران دار بودم و از مردم می‌خواهم هر کس نظارت را از خودش شروع کند و به امید مأموران دولتی نباشد. هر شهروند اگر نسبت به مسائل پیرامون خود حساس باشد بهتر است تا اینکه همیشه منتظر مأموران و ناظران حکومتی و دولتی باشیم. اولاً راه‌های خود رزن ناظران و بازرسان خیلی راحت است، ثانیاً آنها قدیس نیستند و تالنا هر چقدر هم که نظارت دقیق و زیاد باشد که نیست باز هم ممکن است تخلف صورت گیرد پس به نظر من که خودم در این حرفه بوده و از نزدیک تمام موارد را لمس کرده‌ام بهتر است مردم پیش از آنکه دیگران به فکرشان باشند،

خودشان به فکر خودشان باشند و با حساسیت و نظارت بر همه چیز از جمله غذایی که می‌خورند و پولی که می‌دهند از بروز فاجعه جلوگیری کنند. ■ **ساجده سادات- تماس تلفنی:** خیلی از خوراکی‌ها ظاهرش خوب و زیباست اما باید ببینید کجا تهیه شده‌اند و در چه شرایطی نگه می‌دارند. این هم مهم است که آدم‌ها چقدر به سلامتی خودشان اهمیت می‌دهند و برایشان مهم است که دنبال غذای سالم باشند یا نباشند. به نظر من تا زمانی که غذای سالم به عنوان یک مطالبه جدی در جامعه مطرح نشود، همین وضعیت ادامه خواهد داشت. ■ **ترانه سهرابی- تماس تلفنی:** راستش من زیاد رستوران نمی‌روم مگر اینکه بچه‌ها هوس پیتزا بکنند. رستوران رفتن من بیشتر مال زمانی است که کسی ما را میهمان کرده، با این حال در مجموع غذای سالمی در رستوران‌ها نمی‌خوریم، چون گوشت‌های تاریخ مصرف گذشته را با اسانس گوشت و



در طبقه بالا در ظرف‌های دلفریب روی دست کارسونه‌ها خیلی شیک و مجلسی به مشتری‌های بی‌نوا تقدیم می‌شود. ■ **علی مرتضایی پور- ۰۸۱۲...۰۹۲۵:** ساده‌ترین راه، تکذیب این خبرهاست چون نظارت که جواب نمی‌دهد، رستوران دارها هم که دست از این تخلفات برنمی‌دارند. این وسط چرا ما الکی خودمان را خرسته کنیم. بیایید همه تکذیب کنیم تا این چیزهایی که در رستوران‌ها به ما می‌دهند راحت‌تر از گلوبان بروند پایین. ■ **روشنک عزیزاده- ۰۲۱۴...۰۹۱۲:** فراخوان نخریدن مرغ باید در فضای مجازی راه بیفتد و مردم دیگر مرغ نخرند و نخورند. ■ **راحله احسانی- ۰۵۹۱...۰۹۱۴:** آن عکس وحشتناک بود، من تا مدت‌ها بهش فکر می‌کردم. واقعاً تعهد کاری ما کجا رفته و پلیشتی تا کجای رفتارهای ما جلو آمده است. ■ **احمد الوند:** ما فقط به امنیت مرزهای جغرافیایی مان می‌نازیم که نازیدن هم

دارد اما امنیت فقط امنیت مرزهای جغرافیایی نیست. از آن مهمتر احساس امنیت درونی است. آیا امنیت غذایی موضوع پیش پافتاده‌ای است؟ اگر این طور نیست و مهم است که مردم احساس کنند سلامت آنها برای متولیان امور مهم است پس چرا در این باره تا این حد اهمال کاری می‌شود؟ ■ **طاهره نجاری- ۰۶۵۸...۰۹۱۲:** همه می‌گویند وزارت بهداشت باید نظارتش را قوی‌تر کند یا مثلاً کسبه بیشتر اخلاق و وجدان داشته باشند و فقط پول را نبینند اما متأسفانه ما از حقوق شهروندی خود بی‌اطلاعیم یعنی نمی‌دانیم مثلاً اگر شکایتی داریم می‌توانیم براحتی از حق خود دفاع کنیم هر چند شاید برخی بگویند به شکایات رسیدگی نمی‌شود اما به نظر من باید شکایات‌ها را از طریق سامانه‌هایی که اعلام می‌شود پیگیری کرد. حتماً رسیدگی وجود دارد که سامانه شکایت هم وجود دارد مثلاً وزارت بهداشت گزارش‌های مردمی را از طریق سامانه ۱۴۹۰ دریافت می‌کند یا اگر تخلفی در زمینه فرآوری، عرضه و توزیع فراورده‌های خام دامی وجود دارد به سامانه ۱۵۱۲ اداره کل دامپزشکی استان تهران یا ادارات دامپزشکی شهرستان‌ها اطلاع دهند.

■ **فرید سپهری- ۰۲۳۶...۰۹۳۳:** به نظر من کسانی که با جان آدم‌ها بازی می‌کنند کثیف‌ترین و بی‌وجدان‌ترین آدم‌های روی زمین هستند. آدم معطل مانده برای این جور آدم‌ا از چه کلمه‌ای استفاده کند که خدای ناکرده به انسانیت بر نخورد.

■ **نادیا جهانگیری- ۰۵۶۱...۰۹۱۹:** این تصاویر در کشور ما کم نیست، یک روز عکس گوشت گربه و سگ و... حالا هم مرغ در دستشویی، اولاً که باید نظارت بهداشت مستمر و دقیق‌تر انجام شود نه اینکه بگویند تخلف اجتناب‌ناپذیر است و باید برخورد‌ها قاطعانه‌تر و مجازات‌ها بیشتر شود و ثانیاً بهترین و امن‌ترین راه این است که در رستوران‌های بین راهی اصلاً خوراک نخورید، هر چند به غذا خوری‌های داخل شهری هم اعتبار و اعتماد چندانی نیست.

## زاویه‌های روشن زندگی



بخش شهیار اسدی، خواننده روزنامه ایران

## زیباسازی

## با چترهایی در حسرت باران

«زاویه‌های روشن» ستونی است که در آن خوانندگان روزنامه ایران نه درباره مشکلات درمانی خود سخن می‌گویند نه درباره کار و بیکاری نه درباره بازنشستگان و اعتیاد و نه هیچ آسیب اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دیگر. زاویه روشن همچنان که از نامش پیداست درنگ و تأملی در زاویه‌های روشن زندگی است. از هر آنچه ما را در یک لذت ولو کوچک و مختصر سهیم می‌کند. شهیار اسدی، خواننده روزنامه ایران گزارش کوتاه

تصویری- متنی از جزیره کیش برای ما فرستاده است. چند سالی می‌گذرد که خیابان‌هایی در سراسر جهان با چتر پوشیده می‌شوند، جزیره کیش هم از این قافله عقب نمانده است. انگار مهندسان زیباسازی شهری نگاه ویژه‌ای به بارش‌های کم و کم اقبالی به سمت چترها دارند چه بسا این روش خوب و ارزانی است هم برای زیباسازی شهر هم مصرف چترهای در حسرت باران.

## خوانندگان و ایران

آقای صادقی از کرج گفته: از خواندن مطالبی در مورد بچه‌های سیستان و بلوچستان واقعاً غمگین و شرمند و خجالت زده شدم که هموطن من این همه سختی می‌کشد و ما در آسایش هستیم. دولت و ملت باید به بهبود این وضعیت کمک کنند.

**خوانندگان محترم روزنامه ایران با این سه پل ارتباطی با مادر ارتباط باشند:**

تلفن: ۰۸۴۷۱۰۰۰۰- داخلی ۳۱۳

سلام ایران: ۰۷۵-۸۸۷۶۹۰۰

پیامک: ۰۴۵۱۲۱۳-۳۰۰۰

ایمیل: khanandegan@icpi.ir

این خوانندگان دانشگاهی می‌گویند کسی رشته ما را نمی‌شناسد، چه رسد به وجود عنوان شغلی

## فراخوان جغرافیدانان بیکار



## خوانندگان و دانشگاهیان

حمیرا اعلیی

۰۹۱۴۵۰۰۰۰۹: سلام. ما دانشجویان و دانش آموزان رشته‌های علوم جغرافیایی، خواهان نگاه ویژه مسئولان به وضعیت اشتغال و اشتغال دولتی و خصوصی هستیم.

۰۹۲۹۶۰۰۰۲۹: ما فارغ‌التحصیلان و دانشجویان رشته زمین‌شناسی، خواهان نگاه ویژه مسئولان به وضعیت اشتغال و اشتغال دولتی و خصوصی هستیم.

این سه پیام نمونه‌ای از ۳۰ پیامی است که به طور هماهنگ و با یک مضمون در یک بازه زمانی مشخص برای صفحه خوانندگان ارسال شده که در یک نگاه سطحی مشخص می‌کند این هماهنگی در ارسال پیامک حتماً اتفاقی نیست. پس خبری از نسوی «مخاطب ایرانی» بزرگ از فارغ‌التحصیلان و دانش آموزان بیکار رشته‌های جغرافیایی از سراسر کشور است.

پیامک زده به روزنامه ایران دریافتیم تعداد قابل توجهی از دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و دانش آموزان رشته‌های علوم جغرافیایی و زمین‌شناسی گرایش‌های مختلف در اعتراض به آنچه ضریب اشتغال نزدیک به صفر درصدی بیان می‌کردند فراخوانی راه انداخته‌اند تا به قول خودشان صدایشان را به گوش مسئولان برسانند.

**لیلا مرادی با شماره ۰۸۲۴...۰۹۳۹۴۲۰:** دانشجوی سال سوم دکترا رشته زمین شناسی در دانشگاه سراسری خرم آباد -در تماس صفحه خوانندگان با وی- می‌گوید: حتی اگر مسئولان کاری برایمان نکنند و صدای مان را نشنیده بگیرند حداقل وقتی این فراخوان تخلیه روانی است، شما فکر کنید من بعد از دوازده سال درس و گرفتن مدرک دکترا در رشته زمین شناسی هیچ آینده روشنی برای خودم متصور نیستم و باید برای یافتن شغل به فکر مشاغلی که با سطح دیپلم یا فوق دیپلم نیرو جذب می‌کنند باشم. آن هم مشغلی که هیچ ارتباطی با درسی که برایش دوازده سال عمر و وقت و هزینه گذاشته‌ام ندارد. مشکل ما در رشته‌های زمین شناسی و جغرافیا این است که هیچ فرصت شغلی برای این رشته‌های دانشگاهی تعریف نشده و تمام عناوین شغلی که برای این رشته‌ها تعریف شده با اشباع است یا دیگر جذب ندارند، نه تنها برای خاندان‌ها که آقایان هم وضعیت بهتری نسبت به ما ندارند. به طور مثال الان جذب‌استاد دانشگاه برای رشته ما تعطیل شده، در آموزش و پرورش هم رشته زمین شناسی مقطع دبیرستان در حال حذف است و اگر چند سال یک بار نیرو بخواهند از رشته جغرافیا انتخاب می‌کنند. می‌ماند

شرکت‌های خصوصی که آنها هم جذب نمی‌کنند. واقعیت این است که اوضاع اشتغال در رشته ما بنشدت خراب است و می‌توان براحتی گفت همه هم رشته‌ای‌های من در مقاطع مختلف تحصیل دانشگاهی بیکار هستند. شاید برخی بگویند شرکت نفت یکی از جاهایی است که در رشته ما جذب و استخدام نیرو دارد اما طی چند سالی هم مشغول تحصیل بوده‌ام هیچ آگهی استخدامی ندیده‌ام و اصلاً معلوم نیست جذب و استخدام‌ها به چه منبایی صورت می‌گیرد. سازمان زمین شناسی هم فقط یک بار آگهی استخدام داده است که آن ۱۰ نفر نیروی بومی تهران می‌خواست یعنی بقیه کشور عملاً ول معطل هستند و خاندان‌ها هم که اصلاً دیده نمی‌شوند.

لیلا مرادی با شنیدن تعداد پیامک‌های رسیده به روزنامه ایران از فراخوانشان می‌گوید: فکر می‌کردیم بیش از این‌ها پیامک به دست‌تان برسد. البته قصد داریم به تمام سازمان‌ها و ارگان‌هایی که فکر می‌کنیم می‌توانند دغدغه‌مان را اطلاع‌رسانی کنیم.

**خانم آمنه حبیری:** فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته جغرافیای روستایی از دانشگاه سراسری اهواز با شماره ۰۹۱۷۱۷۰۰۲۱۴: دیگر مخاطبی بود